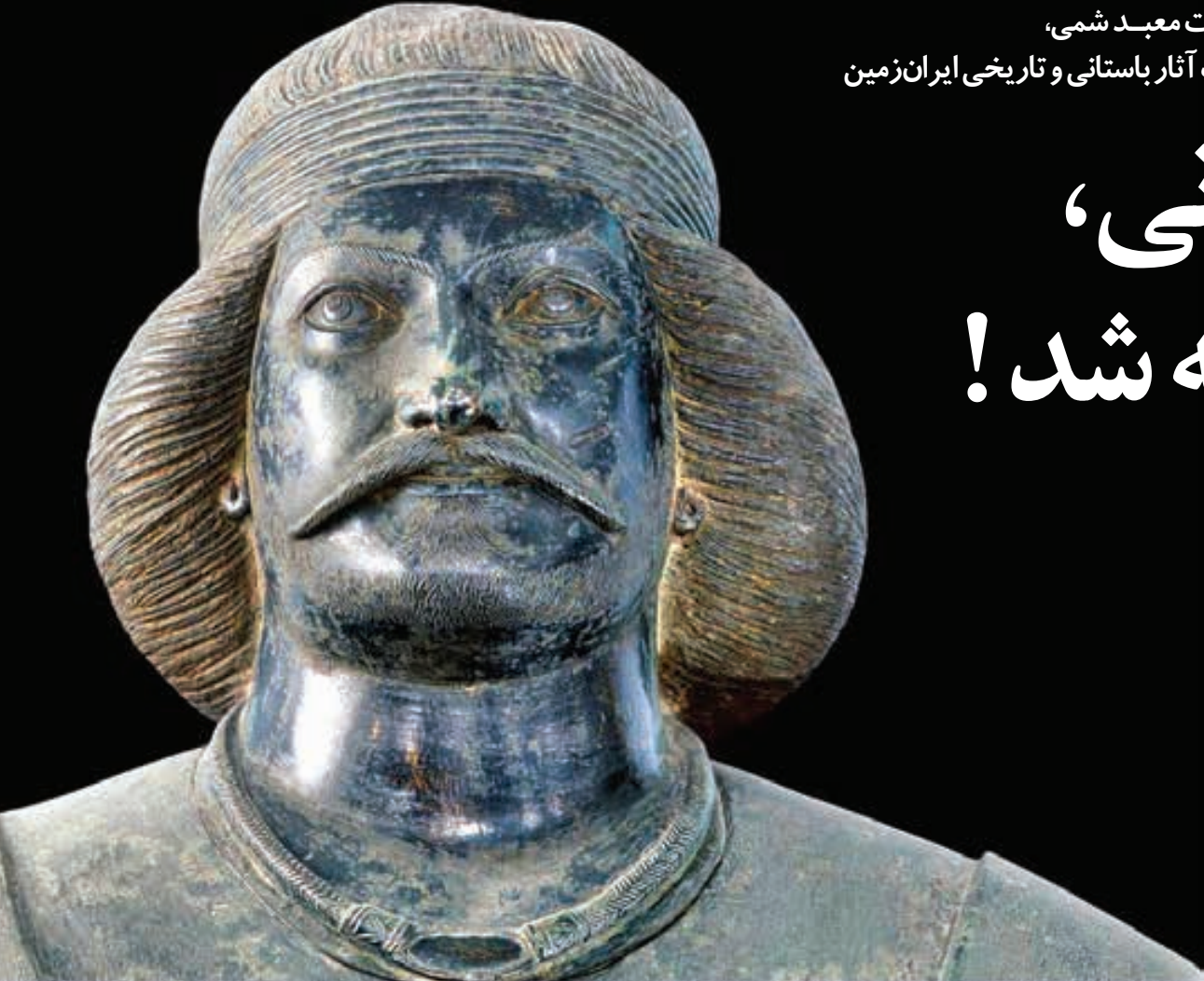




به بهانه خبر حفاری و سرقت معبد شمی،
نگاهی به روند تلخ تخریب آثار باستانی و تاریخی ایران زمین

مردِ پارْتی، بی‌خانه شد!



مثل موارد مشابهش، می‌تواند تلنگر تکان‌دهنده‌ای برای هر ایرانی باشد. همه‌مان می‌دانیم که ایران، در کنار مصر و روم باستان، جزو تمدن‌های کهن جهان است و از هفت‌هزار سال پیش، غارنشینانی در تپه‌های «سیلک» کاشان و دیگر نقاط ایران که البته آن روزها بسیار پهناور تر بود، ظرف و ظروف و جنگ‌افزار و زیورآلات با نگاره‌های اسب و خورشید داشتند. این، علاوه بر این که فهم و هوش و شعور ایرانیان باستان را نشان می‌دهد، به این معنی است که جای‌جای خاک کشورمان، امانت‌دار سازه و معبد و ظرف و نقش‌برجسته‌های ارزشمند و گرانبهایی است؛ سازه‌ها و اشیایی که بیش از ارزش مادی، به لحاظ معنوی ارزش دارند و هر کدام، مثل تکه‌های یک پازل، پیشینه و تاریخ و فرهنگ و هویت ملی ما را شکل داده و می‌دهند. هویتی که بدون آن، معلقیم. اما انگار گاهی، برخی آدم‌ها یا حتی برخی مسئولانی که وظیفه حفاظت و مراقبت از این هویت را به عهده دارند، متوجه عمق شکوه و عظمت این تاریخ و فرهنگ که در قالب کاخ‌های تخت‌جمشید و نقش‌برجسته‌های نقش‌رستم و آجر به آجر تخت سلیمان جلوه کرده، نیستند و به‌خاطر بی‌توجهی و سهل‌انگاری همه، قصه پرغمه تخریب آثار باستانی ایران، هر روز و هنوز و همچنان، ادامه دارد. پرونده امروز «زندگی‌سالم» بر مرور برخی موارد مشابه معبد شمی، متمرکز است.

آذر صدارت - چند روز است خبرهای تلخی درباره حفاری غیرمجاز و سرقت و تخریب آثار باستانی شهرستان ایذه، واقع در استان خوزستان، در خبرگزاری‌ها و کانال‌های تلگرامی دست به دست می‌شود. حتی اگر تندیس «مرد پارْتی»، که نگین آثار باستانی کشورمان در موزه ایران‌باستان است را از نزدیک ندیده باشید، حتما شکل و شمایلش را به واسطه تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ و تاریخ‌هنر به یاد دارید. حالا، مسئول انجمن «دوستانان میراث فرهنگی» ایذه در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرده: «معبد باستانی شمی، خاستگاه مرد پارْتی، در این شهرستان به دست تعدادی از قاچاقچیان میراث فرهنگی، منفرج و تخریب شده است.» و ادامه داده: «در گذشته هم این معبد مورد سرقت قرار گرفته و یک بار حین حفاری‌های باستان‌شناسی یک هیئت ایتالیایی، کوزه درون قبر حفاری شده، شبانه سرقت شد.» هرچند در ادامه، رئیس اداره میراث فرهنگی ایذه با رد وقوع هرگونه انفجار در این محوطه تاریخی به خبرنگار ایرنا گفت: «منکر حفاری در منطقه نیستیم؛ چراکه حفاری آثار تاریخی در همه جای کشور انجام می‌شود و یک اپیدمی ملی است. مسئله این است که ما مشکل کمبود نیروی یگان حفاظت داریم و این یک واقعیت است.» فارغ از این که در این بازی تایید و تکذیب و اصرار و انکار، بالاخره واقعیت ماجرا چیست، این اتفاق هم

مهریه بازیگران زن ایرانی چقدر است؟

مطلبی دیروز در کانال‌های تلگرامی دست به دست شد درباره مهریه برخی از بازیگران زن ایرانی که منبعش سایت «جیم» بود. محمد حسین و کیلی نویسنده این سایت نوشته: «حرف از مهریه سلبریتی‌ها که می‌شود احتمالا همه در ذهنشان مهریه میلیاردی تجسم می‌کنند. خب بالاخره باز یگر معروف است، ایشان مهریه خفن نداشته باشد، کی داشته باشد؟ اما شاید واقعیت، طوری که مردم تصور می‌کنند نباشد. مهریه بازیگران به شدت به شخصیت خود فرد برمی‌گردد و نگاهی که او به ازدواج داشته. البته بازیگرانی هم هستند که حسایی پوست آقا داماد را کنده‌اند اما در تمامی مصاحبه‌ها انکار می‌کنند.»

■ مهناز افشار/دوبرابر بودجه تئاتر کشور یا شاخه گل؟

مهناز افشار بر سروصداترین مهریه را در کشور داشت. مرضیه برومند در مصاحبه‌ای اعلام کرد که خانم بازیگر که همان افشار باشد دوبرابر بودجه تئاتر کشور پشت قباله‌اش ملک دارد. بعد از آن، افشار حسایی شاکی شد و در تماسی به برومند گفت که مهریه‌اش ۱۰ شاخه گل نرگس است که اگر همان هم شمارا ادیت می‌کند، تقدیم تئاتر ایران می‌کنم. که برومند هم جواب داده: «نیازی به گل ندارد اما می‌تواند بنز زیرپایش را برای خانه تئاتر بفروشد!» جالب این‌جاست که کمی‌بعد یاسین رامین همان مهریه دهنده بزرگ، مصاحبه‌ای کرد و در آن گفت که مهریه ۵ شاخه گل نرگس بوده‌است.

■ یکتا ناصر/۵ سکه بهار آزاری

شوهرش تا قبل از «عاشقانه» کمتر شناخته می‌شد. منوچهر هادی کارگردان سریال عاشقانه و همسر یکتا ناصر است. او در مصاحبه‌ای اعلام کرد که مهریه همسرش فقط ۵ سکه بهار آزادی بوده است. آن‌ها سال ۱۳۹۴ باهم ازدواج کردند که ماحصل این زندگی، فرزندشان سوفیا است.

■ بهنوش بختیاری/۱۴ سکه بهار آزادی

یکی از عجیب‌ترین نمونه سلبریتی‌ها، بهنوش بختیاری است. او در مصاحبه‌ای اعلام کرد که بدون عروسی، آرایش کردن و حتی خرید طلا و حلقه به محضر رفته و پس از عقد رفته‌اند سرخانه‌شان، تا زندگی را آغاز کنند. مهریه‌ای هم که توافق شده، ۱۴ سکه بهار آزادی بوده است. اما نکته جالب این ازدواج، همسر اوست که طی این سال‌ها همیشه از رسانه‌ها فراری بوده و بسیاری از مردم به دنبال شناخت او هستند. شاید دلیل اصلی پیگیری مردم، خاطره‌های عجیب و غریب بهنوش از همسرش است که اوج این خاطرات، داستان منت‌کشی برای بازگشت شوهرش به زندگی بود. البته بختیاری در آخرین مصاحبه‌اش اعلام کرده که در اوج لذت از زندگی دو نفره به سر می‌برد و حسایی حالش خوب است. خدا را شکر!

■ نرگس محمدی/۱۱۰ سکه

اولین‌بار بحث ازدواجش در برنامه دورهمی مطرح شد. وقتی که در جواب مه‌ران مدیری گفت خواستگار ندارد. بعد از آن خبری از او نشد تا برنامه تئاتری که در مشهد داشت. تئاتری مشترک با علی اوجی. گویا همان‌زمانی که مشهد بودند باعلی اوجی عقد کردند و مدتی بعد هم، ازدواج آن‌ها رسماً اعلام شد. نرگس محمدی مهریه خود را ۱۱۰ سکه عنوان کرد که آن هم بنا به اصرار خود آقای همسر بوده است.

■ ویدا جوان/۷۱۱ شاخه گل رز هلندی

ویدا جوان برخلاف رسم و رسوم ایرانی‌ها خودش از ایلا تهرانی خواستگاری کرد. ایلا هم که اصلا انتظار خواستگاری نداشت بلافاصله قبول کرد! البته برای این که به خانواده‌ها هم احترام بگذارند، مراسم آشنایی ترتیب دادند که آن‌هم متفاوت بود. ایلا به جای گل و شیرینی با کتاب سعدی و دو جلد کتاب دیگر به مراسم خواستگاری رفت. اما ته هنری بازی‌شان، مهریه جوان است. ۷۱۱ شاخه گل رز هلندی به رنگ‌های سفید، قرمز و زرد.

■ نیوشا ضیغمی/فقط یکی!

آرش پولادخان متولد اصفهان و در کار تجارت نقره است. نیوشا ضیغمی که تحمل نمی‌کرده خانواده‌ها برسر مهریه در مراسم خواستگاری چانه بزنند همان اول کار را راحت و مهریه‌اش را یک سکه بهار آزادی عنوان کرده است.

■ بهار رهنما/مهریه خاصی نداریم

ازدواج اولش با پیمان قاسم‌خانی بود. اما ازدواج دومش حسایی خبرساز شد. او برای ازدواج مجدد، مراسم عروسی گرفت و عکس‌هایش به وفور در اینترنت دیده می‌شد. امیرخسرو عباسی همسر دوم رهنماست و مدیریت یک برند آرایشی معروف را به عهده دارد. رهنما او را حاج آقا خطاب می‌کند و تنها شرط ازدواجی که شوهرش گذاشته، نماز اول وقت است. رهنما مهریه خاصی ندارد و به قول خودش یک هدیه بین خودشان است اما حق طلاق، مسکن، حضانت و... را از شوهرش گرفته است.

مرور برخی نمونه‌های تخریب آثار تاریخی کشورمان

با میراث ملی‌مان چه می‌کنیم؟

الیه توانا - ما همه در برابر میراث تاریخی و فرهنگی کشورمان مسئولیم، اما بعضی‌ها به واسطه عنوان شغلی و محدوده اختیارات و وظایف‌شان مسئول‌ترند؛ مسئولیت‌شان هم طبیعتاً «حفاظت» است؛ حفاظت آثار در برابر بلایای طبیعی و ناآگاهی گردشگران و بازدیدکنندگان و مرمت و بازسازی؛ اما خود ما چقدر حواسمان به آثار تاریخی کشورمان است؟ آثاری که در لابه‌لای سنگ و چوب و خشت‌شان، هویت، شناسنامه و تاریخ ما و سرن‌زمین مان نهفته است. درست است که نگهداری میراث باستانی، نهاد و مسئول و متولی دارد اما سهم ما چیست؟ اگر کاری ازمان برنمی‌آید، نمی‌توانیم خرابکاری نکنیم؟ می‌توانیم خاطره سفر اصفهان و شیرازمان را توی دفترچه خاطرات و گالری تلفن همراه مان ثبت کنیم نه روی ستون‌های تخت جمشید و دیواره سی‌وسه‌پل. می‌توانیم دست از بهانه گرفتن برداریم؛ شاید بعضی مسئولان بی‌مسئولیت‌اند و ناتوان در حفظ و نگهداری این آثار، شاید بعضی‌ها هم به وظیفه آگاهی و فرهنگ‌سازی‌شان عمل نمی‌کنند اما ما باید منتظر بهمان‌ی‌ت‌یک‌عده یادآور شوند تیشه به ریشه فرهنگ مان نزنیم؟ سالانه مبالغ هنگفتی صرف پاک‌سازی دیوارنویسی روی بناهای تاریخی می‌شود، هزینه‌ای که می‌تواند برای مرمت و بازسازی ابنیه تاریخی شود. این‌ها فقط بعضی از بی‌مهری‌های ما نسبت به گنجینه بی‌نظیر کشورمان است، بقیه را بخوانید و فکر کنید چه کار می‌شود کرد؟



■ تخریب شبانه خانه قاجاری

خانه «بجاری» مربوط به دوره قاجاریه و حاکمیت شیخ خزعل در خوزستان است که در آبادان واقع و در سال ۸۲ ثبت ملی شده‌است. این بنا با طراحی خاص در دو طبقه ساخته شده که چوب‌بری‌های زیبا و حالت ایوانی، از مشخصه‌های معماری آن است. این بنا ی تاریخی، شهرپرور ماه امسال با خاک یکسان شد؛ آن‌هم نه در اثر زلزله و سبل (که آثار تاریخی در برابر اتفاقات طبیعی هم باید مصون باشند) که توسط مالک شخصی بنا! مالک خانه، با حکم دیوان عدالت، این خانه را از فهرست آثار ملی خارج می‌کند، حکم تخریش را از شهرداری می‌گیرد و بولدورزها شبانه به جان «بجاری» بیچاره می‌افتند. سرپرست ادارات میراث فرهنگی آبادان و خرمشهر، می‌گویند پیشنهاد ما در تعویض این ملک با زمینی معادل ارزش آن در منطقه‌ای دیگر از شهر به مالک، مورد موافقت قرار نگرفت؛ نرخ درخواستی مالک غیرواقعی و بیشتر از کل اعتبارات یک‌ساله استان خوزستان بوده‌است! و دولت نمی‌توانست برای خرید این ملک با نرخ مورد نظر مالک عمل کند.



■ پتک، دینامیت و تیغ، ابزارهایی برای نابودی تاریخ

باعث تأسف است ولی ما در چنین نابودگری‌هایی سابقه‌بلند‌بالایی داریم و غیر از ظلم‌هایی که در همین روزهای اخیر در حق آثار باستانی روا داشته‌ایم، در سال‌های پیش هم اتفاقات تلخ کم نبوده‌اند که بعضی‌هایشان را مرور می‌کنیم؛ نقش برجسته «قندیل» در «کازرون» که در فرم و تراش و محتوا، از جمله نفیس‌ترین و با ارزش‌ترین نقوش تاریخی تمدن ایران محسوب می‌شود، پنج سال پیش به صورت تعمدی بر اثر شلیک گلوله یا اصابت جسمی سخت مانند پتک، تخریب شد؛ این نقش‌برجسته منحصر‌به‌فرد، منقش به صحنه ازدواج «شاپور اول» ساسانی» با «ملکه آذر آناهیتا» بود. یکی دیگر از میراث‌های نابودشده‌مان، «آتشکده سنگی» (تنگ کرم) مربوط به دوره ساسانیان بود که در شهرستان فسا واقع شده و به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌بود؛ این آتشکده بر اثر انفجار دینامیت به‌طور کامل تخریب شد. بنای «شاه نعمت‌... ولی» در ماهان کرمان که به‌خاطر معماری بی‌نظیرش جزو بناهای ثبت جهانی ایران است، توانست ۷۰۰ سال در دل تاریخ با سرسختی و شکوه دوام بیاورد اما در سال‌های اخیر اسیر حکاکی و دیوارنویسی‌های فراوان ما شده‌است؛ در این بنای زیبا که از چندین محن، رواق و حجره، حوض‌های بزرگ و مناره‌های سر به فلک کشیده ساخته‌شده است، کاشی‌کاری و گچ‌بری‌های خیره‌کننده‌ای وجود دارد که بیرحمانه مورد هجوم تیغ و تیزی هموطنانمان قرار گرفته‌است.

(ایرنا، تابناک، روزنامه بهار، خبرگزاری مهر، بنیاد فارس‌شناسی)